چرا؟ چون شما را در جناح سیاسی خودشان نمی‌دانند؟

کمال تبریزی: این یعنی چه؟! هنرمندان همیشه به سمت کسانی می‌روند که زبان‌شان را بهتر بفهمد و بتوانند تعامل بهتری داشته باشند. من وقتی در شورای پروانه نمایش وزارت ارشاد بودم، یک پیشنهادی را به اعضای شورا دادم که بعضی اوقات هم می‌پذیرفتند. گفتم شما گاهی یک فیلمی را می‌بینید که سر و شکل دارد، مبتذل نیست و فیلم خوبی است، اما به نماهایی ایراد دارید، در این موارد از کارگردان و تهیه‌کننده آن دعوت کنید که در یک جلسه شرکت کنند و رودررو با گفت‌وگو با آنها به توافق برسید. چندین بار هم این کار را کردیم و به نتیجه رسیدیم و در همان جلسه هم صورت جلسه کردیم، مثلا درباره فیلم «سه‌کام حبس» می‌گفتند این اصلا امکان نمایش ندارد. گفتم آقای سالور و تهیه‌کننده‌اش را دعوت کنید، مشکل حل می‌شود. بعد که آمدند خیلی خوب مساله حل شد و این فیلم پروانه نمایش گرفت؛ اما اینکه شما در یک موضعی بنشینید که من می‌فهمم و دیگران اصلا نمی‌فهمند، یعنی همه حقیقت نزد من است و دیگران هیچ چیز درباره آن نمی‌دانند. اگر با هنرمند گفت‌وگو و تعامل انجام نشود، خلاقیتی اتفاق نمی‌افتد. یکی از دوستان من که با هم در شورای پروانه نمایش بودیم، دولت که تغییر کرد، خبر نداشت که ما را با افتخار تمام اخراج کرده‌اند، یعنی بدون جلسه معارفه و روش‌های معمول ما را بیرون انداخته‌اند و افراد جدید را جایگزین کرده‌اند. ایشان که انسان بزرگواری است و در تلویزیون هم مدت‌ها مدیر موفقی بود؛ تعریف می‌کرد طبق معمول چهارشنبه‌ها که جلسه داشتیم رفتم گفتم چرا برای جلسه پروانه نمایش ما را خبر نمی‌کنید، کارمندان ارشاد گفته بودند که شما دیگر عضو شورا نیستید و باید بروید. یک سری افراد جدید را به جای شما آورده‌اند. حکم اعضای شورای پروانه نمایش را خود وزیر به صورت مستقیم می‌دهد و این دوست ما به سمت در خروجی وزارت که می‌رفته دیده که یک تابلوی بزرگ هم آنجا زده‌اند و روی آن دستاوردهای فرهنگی دولت سیزدهم در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را نوشته‌اند که یکی از این دستاوردها، حذف اعضای شورای قبلی و حضور اعضای جدید بود. این رفتار را به‌عنوان یک دستاورد بزرگ تلقی کرده بودند. با این افراد نمی‌توان تعامل کرد.

شما در صحبت‌هایتان این همه از گفت‌وگو گفتید، خب این مساله را امتحان می‌کردید و با آنها صحبت می‌کردید. یک‌بار خودتان پیش‌قدم شدید؟

کمال تبریزی: اتفاقا یک فیلمنامه آزمایشی را فرستادیم و منتظریم ببینیم چه می‌شود. (باخنده) شخص خود من هنوز تجربه عینی از این رفتار ندارم اما همکارانم تجربه کرده‌اند.

یک اتهام که به شورای پروانه نمایش قبلی وارد شده این است که اواخر دولت آقای روحانی به صورت فله‌ای پروانه صادر کردند و اینها آسیب زده و یک سری فیلم روی دست وزارت ارشاد باقی مانده که قابل اکران نیستند.

کمال تبریزی: این یک حرف غلط و بی‌انصافی است.

محمد آفریده: باید مدیرکل و اعضای شورای قبلی بیایند و درباره آن صحبت شود. ما سال‌هاست در حوزه‌های اجرایی کار کردیم. متاسفانه مدت‌ها است که تصمیم‌گیرنده فقط وزارت ارشاد و رئیس سازمان سینمایی نیست. آنقدر حوزه فرهنگ ضعیف شده که جاهایی که می‌خواهند تصمیم بگیرند خارج از این حوزه هستند. ما یک نگاه متمرکز قدرتمند در حوزه فرهنگ نیاز داریم که فقط هم به امروز فکر نکند. مشکل ما این است که پنج درصد وقت مدیران فرهنگی به حوزه فرهنگ می‌رسد و ۹۵ درصد آن صرف حواشی، سوءتفاهم‌ها و... می‌شود. فکر می‌کنند الان یک فیلم که ساخته می‌شود، آسمان به زمین می‌آید، این نگاه نگاه از ضعف است. ما در حال حاضر باید به آینده فکر کنیم و روی نقش خودمان در آینده در منطقه و جهان تمرکز کنیم. اینکه فلان پلان چطور می‌شود یا فلانی...، درگیر این مسائل بشویم یا درگیر اینکه فلان فرد کار بکند یا نکند، درست نیست. بخشی از این مساله هم به خاطر همان مسائل سیاسی و جناحی است که به این حوزه لطمه می‌زند. من بارها گفتم که حوزه فرهنگ حوزه‌ای شکننده است و این‌طور نیست که شما به کسی به‌راحتی بگویید این کار را بکن یا نکن. اگر از این حوزه باغبانی نکنیم، آنچه داریم از دست می‌دهیم و دیگر چیزی نخواهیم داشت. باید همگی درباره آینده این مملکت فکر کنیم و در تصمیمات به فراتر از امروز و امشب بیندیشیم. باید به ۲۰ سال آینده‌مان هم فکر کنیم. شما به کشورهای منطقه نگاه کنید. ما الان سینما داریم اما امیدواریم بهترش را داشته باشیم. الان عربستان یا ترکیه در حوزه سینما و سریال چقدر تولید دارند و ما درگیر مسائل جزئی هستیم. این مسائل جزئی البته برای بعضی‌ها هم نان دارد و فراموش کرده‌اند که ما یک انقلاب بزرگ کرده‌ایم و این همه جوان دادیم و نیازمند ساخت و تولید و هزاران فعالیت سازنده دیگر هستیم. اگر الان ۵۰۰ فیلم می‌سازیم، باید هزار فیلم بسازیم. با تولید است که امید جوانه می‌زند و آینده روشن می‌گردد.

فیلم سینمایی «همیشه پای یک زن در میان است» در زمان اکران در باشگاه میلیاردی‌ها قرار گرفت. این را از این جهت می‌پرسم که شما فیلمسازی هستید که اگر فیلم فانتزی هم بسازید، می‌توانید کاری بسازید که پرفروش شود. چرا درباره دست‌انداز این اتفاق نیفتاد؟

کمال تبریزی: وقتی که شما به فیلمی علاقه نشان می‌دهید و دل‌تان می‌خواهد آن را بسازید، شاید به این دلیل باشد که بخواهید ژانرهای مختلف را تجربه کنید. من اگر دو فیلمنامه پیش رویم باشد؛ یکی مثلا مارمولک ۲ و به همان خوبی باشد و دیگری در ژانری تجربی یا وحشت، قطعا دومی را کار می‌کنم. اگر اولی مخاطبش هم بیشتر باشد، من به این فکر می‌کنم که یک‌بار مارمولک را ساخته‌ام و دلم می‌خواهد فیلمی بسازم که ببینم در آن ژانر هم موفق می‌شوم یا نه. توجه به مخاطب قطعا در کاری که سینماگر انجام می‌دهد، نهفته است. من می‌دانم که ممکن است مارمولک ۲ مخاطب بیشتری داشته باشد اما دلم می‌خواهد برای ژانر دیگری هم تلاش کنم که مخاطب داشته باشم. از طرفی به سازوکارهای دیگرش هم فکر می‌کنم، مثلا تبلیغات آن، چون همه دوست ندارند فیلم ترسناک ببینند. در مورد فیلم دست‌انداز هم با دوستانی که سرمایه‌گذاری کرده بودند، به سازوکارهای جذب مخاطب فکر کرده و متوجه بودیم این فیلم در زمان اکرانش مخاطب عام به معنای فیلم‌های دیگر نخواهد داشت، چون فضای فانتزی و در عین حال تازه‌ای دارد. این فیلم مخاطب خاص را تحت تاثیر قرار خواهد داد اما برای اینکه به فروش قابل قبولی برسد و سرمایه‌اش را برگرداند، نیاز به ترفندهایی خاص داشت. متاسفانه ما در مورد این فیلم هم به دوره‌ای جدید خورده‌ایم که اگر در دوره قبل از کرونا این فیلم پخش می‌شد، ما برای اکران برنامه‌هایی داشتیم که کلا به هم خورد چون سرمایه‌گذاران دوره فعلی با دوره قبلی به اختلاف خوردند و تقریبا فیلم در میان این دعوا قربانی شد.

محمد آفریده: ما حتی دو فیلمنامه قبل از این را تا دقیقه ۹۰ رفتیم و می‌خواستیم فیلم‌های دیگری بسازیم و حتی پروانه هم گرفتیم اما با آقای تبریزی که صحبت می‌کردیم، حس کردیم چنگی به دل نمی‌زنند. من هم شخصا این کار را بیشتر می‌پسندیدم، چون در آن نوآوری و بازیگوشی وجود داشت و این برای سینما خیلی خوب است و اگر فیلمساز این رویکرد را در کارهایش نداشته باشد، زیر سایه فیلم‌های دیگرش از بین می‌رود.

کمال تبریزی: شما اگر به کارهای قبلی من نگاه کنید، هیچ‌کدام از آنها شبیه هم نیستند. مگر عمر آدم چقدر است و چقدر می‌تواند این جهان بی‌نهایت را تجربه کند و فیلم بسازد. در سینما چون همه هنرها تجمیع شده‌اند، شما باید سعی کنید فیلم‌هایتان شبیه فیلم‌های داخلی و خارجی نباشند. من واقعا الان عاشق این هستم که بتوانم یک فیلم در ژانر وحشت بسازم که واقعا بتواند مخاطب را بترساند، فارغ از اینکه چقدر می‌تواند جذاب باشد! یعنی اگر دو غار جلوی من باشد، یکی پرنور و دیگری تاریک، من وارد آن غار تاریک می‌شوم. ته غار پرنور از همان جلو هم معلوم است و هیجانی ندارد. برای من مخاطب مهم و ارزشمند است اما مهم‌تر از آن تجربه سینمایی است و این چیزی است که باید در سبد سینمایی ما وجود داشته باشد. الان سال‌هاست که ما سینمای کودک و نوجوان نداریم. اگر هم داریم، چیزی نیست که به رشد بچه‌ها کمک کند؛ آن هم بچه‌هایی که واقعا نیازمند توجه هستند. اخیرا یک ماه پیش من طرحی به نام «بچه‌های غایب» به کانون پرورش فکری پیشنهاد کردم، به نظر خودم طرح خیلی خوبی بود، یعنی هم به اتفاقات روز متصل بود و هم نوجوانان می‌آمدند منویات و مسائلی که با خانواده‌شان داشتند را مطرح می‌کردند. قهرمان این کار نوجوان‌ها بودند و درباره این بود که چرا جامعه به نوجوان‌ها توجه نمی‌کند، درحالی‌که توجه به رشد و تربیت اینهاست که آینده را تضمین می‌کند. از طرفی چون جامعه توجه لازم به نوجوانان را ندارد و درگیر مشکلات دیگر است، این اتفاقات نامطلوب که می‌بینیم می‌افتد. به نظر من داستان یک فضای فانتزی-واقعی داشت و برای بچه‌ها جذاب بود اما عکس‌العملی به آن نشان داده نشد، انگار اصلا مساله‌شان نوجوانان نیستند.

محمد آفریده: من حدود ۱۲ سال در حوزه مدیریت فعالیت داشتم. باید صادقانه بگویم که ورود به تجربه‌های جدید، گام متفاوت برداشتن و نگاه نو برای مدیریت هزینه‌های سنگین دارد. به همین دلیل عمده سازمان‌های ما سعی می‌کنند همان رویه سابق را حفظ کنند. رفتن به عرصه‌های جدید یعنی رفتن به شرایط خطر. مدیران معمولا دوست دارند میزشان را داشته باشند. اگر سینما به عرصه‌های جدید پا نگذارد می‌خشکد. من خیلی خوشحالم که فیلم‌هایی داریم که می‌فروشند اما در چشم‌انداز فرهنگی و بلندمدت، همه فیلمسازان باید حضور داشته باشند تا سینمایی توانمند داشته باشیم. تفاوت‌هاست که باعث رشد می‌شود که متاسفانه الان نداریم. ویترین سینمای ما باید همه نوع سلیقه و نگاهی را در خود داشته باشد.

وقتی به فروش آثار سینمایی نگاه می‌کنیم، حدود ۷۰، ۸۰ درصد گیشه مربوط به دو فیلم و یک کارگردان است، یعنی یک فرمول جواب داده است و تکرار می‌شود. این نگاه تجربه‌گرایی که شما دارید ظاهرا مناسب این گیشه و سینما نیست.

محمد آفریده: من باز تاکید می‌کنم که چرخیدن چرخه سینما، کمک به همه سینماست و این دستاورد کمی نیست اما زنده بودن و ماندگاری سینما به حضور همه سلیقه‌ها نیاز دارد.

جسارتا الان فیلم شما بعد از پنج سال انتظار برای اکران و این وضعیت فروش یک فیلم ورشکسته محسوب می‌شود؟

محمد آفریده: شاید اگر در زمان خودش فیلم اکران می‌شد شرایط بهتر بود.

کمال تبریزی: اگر کمی هوشمندی به خرج می‌دادند، مشکلاتش حل می‌شد، چون هزینه‌اش برای آن زمان بوده اما الان هزینه‌ها سرسام‌آور هستند.

محمد آفریده: ما متاسفانه در کشورمان در اکثر فعالیت جزیره‌ای عمل می‌کنیم. یعنی چی؟ یعنی همه مراکز، موسسات، سازمان‌های متولی و... در یک مسیر و یک افق با هم جلو نمی‌رویم. هر کسی تصمیم خودش را می‌گیرد و به آن عمل می‌کند. در کشورهای دیگر تولید یک فیلم یعنی یک سرمایه فرهنگی و همه دستگاه‌ها موظف هستند با نگاه تولید داخلی از آن حمایت بکنند. تلویزیون باید سهم خود را از تبلیغ این محصولات و خرید آن بپردازد. سازمان‌های دیگر هم همچنین، شهرداری باید از تولید داخلی حمایت بکند و خیلی‌های دیگر، اما الان فیلمساز تک و تنهاست و کار سختی است.

کمال تبریزی: مثلا از کسی مانند ویم وندرس کلی حمایت شده، کلی روی او کار و سرمایه‌گذاری شده تا به اینجا رسیده. فیلمسازان زیاد دیگری هم به این شکل هستند. اصلا در جشنواره‌های دنیا دنبال این هستند اثر جدیدی کشف کنند که متفاوت باشد. در جشنواره کن برخی فیلم‌ها به دلیل نفوذ سیاسی وارد بخش مسابقه می‌شوند، یعنی فیلمی بی‌ارزش است، آن‌وقت شما اگر وارد سالن شوید، می‌بینید که مردم فیلم بخش مسابقه را هو می‌کنند و به آن می‌خندند یا وسط آن دست‌هایی عجیب می‌زنند؛ مثلا یادم است یک دوره‌ای یک فیلم آمریکایی از این فیلم‌های اکشن هالیوودی به بخش مسابقه آمده بود. شما نمی‌دانید که مخاطبان چه بلایی سر آن آوردند! در جشنواره کن هم فیلم‌ها در سالن‌های پر، نمایش داده می‌شوند و سالن خلوت من ندیدم، ولی با این حال آنها یاد گرفته‌اند به فیلم‌های خاص توجه کنند. یادم است یک سال به یک فیلمی به خاطر فقط صحنه پایانی‌اش جایزه دادند، یعنی فیلم خیلی خسته‌کننده بود اما صحنه پایانی‌اش درخشان بود، چون تجربه جدیدی در سینما بود. سال ۹۸ یک ساعت از فیلم ما تدوین شده بود و درواقع فیلم آماده نبود اما هیات انتخاب هم گفتند ما از این مقدار چیزی نفهمیدیم! خیلی جالب است که این را گفتند چون اگر فهمیدن فیلم دشوار بود در عوض به نظرم پلان‌ها و بازی‌های خوبی داشت. فیلمبرداری، طراحی صحنه و صدا، تدوین و موسیقی و... به احتمال زیاد می‌توانستند در جشنواره نامزد دریافت جایزه باشند.

محمد آفریده: حوزه سینما به این صورت است، مثل میوه‌ای رسیده که باید در زمان خودش استفاده شود، یک فیلم هم باید در زمان خودش اکران شود. ما هر سال که می‌خواستیم این فیلم را نشان دهیم کرونا اوج می‌گرفت و حتی در تولیدش هم خیلی گرفتاری داشتیم و سخت بود، چون به‌خاطر خیلی مسائل امکانش را پیدا نکردیم.

کمال تبریزی: خود فیلم هم دچار آن بدشانسی که در فیلم از آن صحبت می‌کند شده است.

محمد آفریده: خود فیلم هم در دست‌اندازهایی افتاد اما من شخصا آقای تبریزی را دوست دارم، چون ایشان ۴۰ سال پیش هم همین‌طور بودند، یعنی همین شوخ‌طبعی و انرژی در ایشان وجود داشت و به همین دلیل به‌خاطر اینکه تلاش کردیم یک قدم به جلو برداریم، از کار با ایشان در این فیلم راضی هستم. برای یک تهیه‌کننده سخت است، چون ما دو فیلمنامه را قبل از این کنار گذاشتیم. امیدوارم شرایط خوبی برای فیلم پیش بیاید، چون به نظرم این فیلم از آن فیلم‌هایی است که اگر زمان به آن داده شود و دهان به دهان درباره آن صحبت شود، مخاطبان خودش را پیدا می‌کند.

کمال تبریزی: من یادم هست که یکی از فیلم‌های درخشان آقای عیاری به نام «بودن یا نبودن» اصلا دیده نشد و من حیرت کردم که چرا این‌طور شد و هیچ جا دیده نشد و مردم به آن توجه نکردند و منتقدان راجع به آن نقدهای خوب ننوشتند. این فیلم، عالی و خیلی درست و دقیق بود، ساختار قوی، بازی‌ها و فیلمبرداری خوب داشت. عسل بدیعی در آنجا عالی بازی کرده بود. داستان بسیار انسانی داشت. متاسفانه بعضی فیلم‌ها به این شکل نابود می‌شوند.

ما یک نظرسنجی بین بچه‌های تحریریه برای روز ملی سینما داشتیم با این سوال که به چه فیلم‌هایی از سینمای ایران علاقه‌مند هستید. در رتبه بالای این نظرسنجی، فیلم مارمولک قرار دارد. خودتان از میان فیلم‌هایی که ساختید، کدام را بیشتر دوست دارید؟

کمال تبریزی: من نمی‌توانم به این سوال جواب بدهم، چون اگر من کارگردانی بودم که فیلم‌های شبیه به هم می‌ساختم، می‌توانستم این را بگویم. من چون فیلم‌هایی در ژانرهای متفاوت می‌سازم که هرکدام تجربه خاص خودش را دارد، نمی‌توانم بگویم. اگر بگویم مارمولک، یک‌دفعه «شیدا» یا «فرش باد» یا «مهر مادری» جلوی چشمم می‌آیند. مارمولک در حوزه طنز بود و به خاطر التهابی که به لحاظ موضوع داشت، دیده شد وگرنه به لحاظ ساختار خیلی با «لیلی با من است» فرقی نمی‌کند. وقتی آقای منوچهر محمدی یک صفحه از مارمولک را برای من خواند، من گفتم تامل نکن و در اولین فرصت باید آن را بسازیم، با اینکه برای کارگردانان بنام دیگری هم این صفحه را خوانده بود و آنها نخواسته بودند بسازند و گفته بودند آقا دست بردار! و هرگز این کار را نکن!

با آقای پرستویی دیگر همکاری نکردید.

کمال تبریزی: پیش نیامد. موقعیتش فراهم نشد. بازیگر باید در فیلمنامه شما به لحاظ فیزیکی و توانایی امکان حضور داشته باشد. ضمن اینکه سر آقای پرستویی خیلی شلوغ است. ایشان مدام فیلم و سریال کار می‌کنند. مواردی هم بوده که بخواهیم با هم کار کنیم اما ایشان واقعا گرفتار کارهای دیگر بوده‌اند.

می‌خواستیم درباره «سرزمین کهن» بپرسیم اما هر جا از شما درباره آن پرسیده‌اند شما یک جواب تکراری داده‌اید.

کمال تبریزی: بگذارید این را بگویم. برای من در تلویزیون پیشنهاد یک سریال شده که خلاصه طرح آن هم خیلی خوب نوشته شده است. من هم در جواب گفتم هروقت شما سرزمین مادری را پخش کردید من هم یک سریال جدید برای تلویزیون می‌سازم.

ظاهرا اگر درهای وزارت ارشاد به روی شما بسته است، درهای تلویزیون به روی شما باز است.

کمال تبریزی: آقای آفریده گفتند که تهیه‌کنندگان می‌گویند الان بهتر است سریال کار کنید، چون با ساترا و حتی تلویزیون بهتر می‌شود کار کرد.

اتفاقا یکی از سوالات ما این است که شما جزء اولین کسانی بودید که در شبکه نمایش خانگی سریال ساختید. الان چرا این کار را نمی‌کنید؟

کمال تبریزی: الان شرایطش پیش نیامده.

آیا انحصاری در شبکه خانگی وجود دارد که مانع شما شده؟

کمال تبریزی: انحصار که حتما وجود دارد اما بستگی به خود فیلمنامه هم دارد؛ البته عوامل مختلفی در این خصوص دخالت دارند تا شرایط تولید سریال فراهم شود.

برای من جالب است که شما جزء معدود فیلمسازانی هستید که ترجیح می‌دهد در این شرایط هم برای تلویزیون کار کند.

کمال تبریزی: نه، ترجیح نمی‌دهم، فقط گفتم که از سمت تلویزیون پیشنهاد شده است. من به آنها گفتم اگر شما بخواهید من هم موافقم که سریال بسازم اما یک شرط دارم، آن هم این است که شما سرزمین کهن را پخش کنید. ضمن اینکه من معتقدم صاحبان اصلی تلویزیون درواقع سینماگران هستند و همه باید روزی به خانه خودشان بازگردند.

پس مشکلات این سریال هم حل شده و می‌توان منتظر پخش زودهنگامش بود.

کمال تبریزی: الان خیلی وقت است مشکلاتش حل شده اما نمی‌دانم چرا پخش نمی‌شود. از دو حالت خارج نیست؛ یا تلویزیون می‌تواند پخش کند که باید پخش کند یا نمی‌تواند پخش کند که راحت می‌تواند آن را به یکی از این پلتفرم‌ها برای پخش بدهد و آنها هم بلافاصله آن را پخش کنند. اینکه تا به حال این کار را نکرده‌اند می‌تواند دلایلی خارج از سریال داشته باشد. احتمالا سیاست‌زدگی که به آن اشاره کردم مانع پخش این سریال است. احتمال دیگری به ذهنم نمی‌رسد، چون با فرآیند بسیار دشواری کل سریال را اصلاح کردیم و الان هیچ مشکلی برای پخش ندارد.

در بحث سیاست‌زدگی مشکل که خود شما نیستید، چون به شما پیشنهاد ساخت آن داده شده است.

کمال تبریزی: بله، منظورم اختلافات سیاسی است. مشکل اصلی سریال مشکل واقعی در درون خود سریال نبود. مشکل آن به بیرون و دعواهای سیاسی و جناحی مربوط بود و سریال ما این وسط قربانی شد.

شما یک رفاقت قدیمی هم با حاتمی‌کیا دارید. این روزها سراغ یک پروژه سنگین سریال‌سازی رفتند. چقدر در جریان این پروژه هستید و نظرتان در مورد سریال «حضرت موسی (ع)» چیست؟

کمال تبریزی: به نظرم حاتمی‌کیا مشغول کار سخت و خطرناکی است. در تاریخ گذشته سینما فیلمی وجود دارد که قطعا این سریال با آن مقایسه خواهد شد که اگر بهتر از آن جلوه نکند قافیه را باخته‌ایم. فقط می‌دانم فیلمنامه سختی دارد و الان بیش از دو سال است که در مرحله پیش‌تولید است و هنوز فیلمبرداری آغاز نشده است. اگر من بودم، هیچ‌وقت این کار را نمی‌کردم و ترجیح می‌دادم سراغ کاری بروم که دست‌نخورده‌تر باشد و تجربه قبلی درباره آن وجود نداشته باشد. من فکر می‌کنم با شرایط فیلمسازی فعلی ما واقعا گرفتاری و با در نظرگرفتن احتمالات، روزهای سختی را پیش‌رو دارد. آرزو می‌کنم بتواند این کار را به بهترین شکل ممکن انجام دهد و شاهد کار درخشانی باشیم. ضمن اینکه نمی‌دانم ضرورت ساخت چنین سریالی در شرایط حاضر چیست.

محمد آفریده: فکر می‌کنم سال ۶۱ آقای حاتمی‌کیا یک فیلمی ساخت که آقای تبریزی آن را تدوین کرد. کار کوتاهی به نام «کوردلان» بود و سوپر ۸ بود. بعد از انقلاب در سینما آزاد که به مرکز اسلامی فیلمسازی تغیر نام داد من، آقای تبریزی و آقای حاتمی‌کیا، حمیدنژاد، خیرالدین، رحیم‌زاده، سماوات، رضا مقصودی، ارژمند، و... دور هم جمع شدیم وهمه کار هم می‌کردیم. فیلم کوتاه یا بلند و سینمایی می‌ساختیم. بخش تجربی جشنواره فجر را در شیراز برگزار کردیم. سال ۶۲ تلویزیون گفت من اینجا را نمی‌خواهم و کلا همه ما را بیرون کردند.

ممکن است که سریال کتاب «ایران‌شهر» محمدحسن شهسواری که درموردش صحبت کردیم را بسازید؟

کمال تبریزی: بله من اتفاقا خیلی علاقه‌دارم اما باید شرایط آن فراهم شود. به نظرم سریال جذابی می‌شود. تاریخ رمان از مقطع قبل از انقلاب شروع می‌شود و نگارش بسیار خوبی دارد. امیدوارم فهمی در جامعه فرهنگ و هنر به وجود بیاید که این سریال هم کنار سریال‌های دیگر ساخته شود و امیدوارم روی آن سرمایه‌گذاری کنند. برای نوشتن رمان زحمت زیادی کشیده شده و از ساختار و جذابیت متفاوتی برخوردار است و سریال پرمخاطبی خواهد شد؛ البته اگر امکان ساخت بدون سانسور داشته باشد.

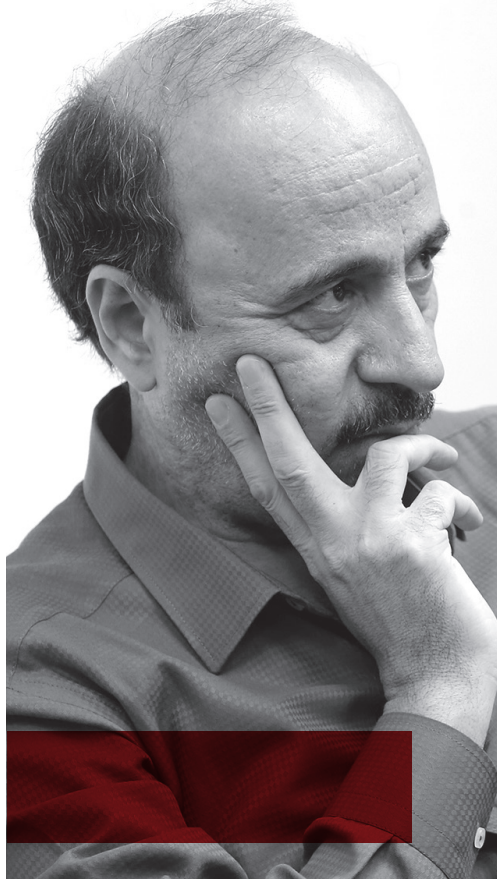

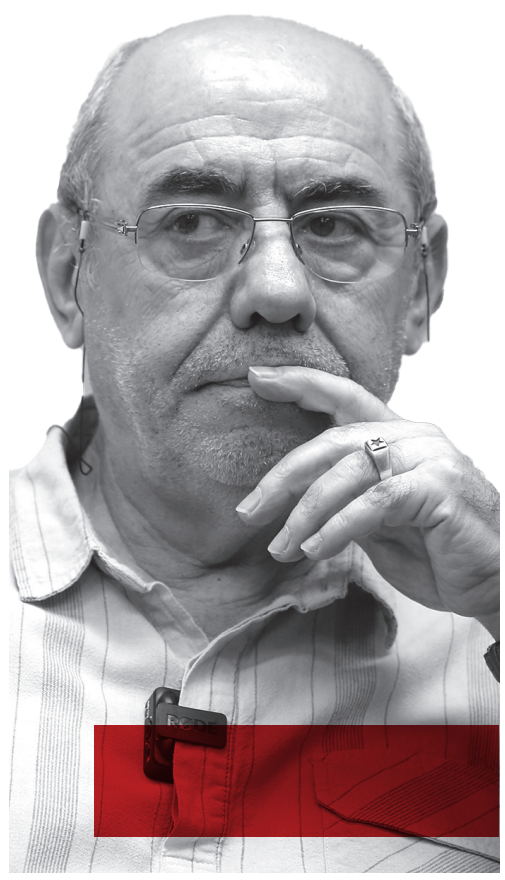

ادامه از صفحه ۱۴